

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:Y6SH22A1255744 ISSN-P: 2538-3701

تاریخچه نفت عربستان، از ملی سازی تا خصوصی سازی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۱۸)

سید امیر محمد ارجمند^۱
آرزو اسداله نژاد رنجبر

چکیده

در دهه های طرح و اوج گرفتن ملی سازی صنعت نفت در کشورهای تولیدکننده نفت جهان، کشورهای مختلف رویکردهایی را جهت افزایش سهم خود در سود نفتی و همچنین افزایش کنترل بر تولید و فروش نفت اتخاذ کردند. در این میان عربستان سعودی رویکرد ملی سازی تدریجی را برگزید. شرکت نفت بین المللی آرامکو در پی انعقاد قرارداد امتیازی دولت عربستان با شرکت نفت استاندارد اوایل کالیفرنیا تشکیل شد. در نهایت صد درصد مالکیت این شرکت به دولت عربستان سعودی منتقل شد. در سال های اخیر پس از طی مسیر ملی سازی، ولیعهد عربستان سعودی بحث خصوصی سازی آرامکو سعودی را مطرح کرد. در این مقاله نحوه ملی سازی مروری بر نحوه ملی سازی نفت از طریق ملی سازی شرکت آرامکو که دارنده امتیاز اکتشاف و استخراج نفت در عربستان بود را مرور خواهیم کرد. سپس سیر تمایل به خصوصی سازی این صنعت را ملاحظه خواهیم کرد. در پایان درس اموخته های ناشی از مرور این تحول در قالب جمع بندی بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: قرارداد امتیازی، تاریخچه نفت، عربستان سعودی، آرامکو، ملی سازی

مقدمه

بخش اعظم تاریخ نفت عربستان سعودی و مهم‌ترین وقایع آن، به شرکت آرامکو گره خورده است. اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی در عربستان سعودی توسط شرکت نفت عربستان سعودی (آرامکو) به موجب قرارداد امتیاز اولیه ۱۹۳۳ و موافقت‌نامه‌های تکمیلی آن انجام شد.^۱ این قراردادها در زمانی منعقد شدند که عربستان در شرایط ضعف اقتصادی و فنی قرار داشت. دغدغه اصلی دولت در آن زمان محدود به دریافت وجوه فوری برای رفع نیازهای مالی کشور بود. بنابراین، دولت نه استراتژی خاصی را برای مذاکره در مورد قراردادهای امتیاز نفت تصور کرد، و نه مقررات بنیادین خاصی که بر قرارداد امتیاز حاکم باشد را وضع کرد. از این رو، شروط مهمی نادیده گرفته شد و در این قراردادها گنجانده نشد. قدرت چانه‌زنی دولت سعودی در آن زمان به دلیل نامشخص بودن وجود نفت به میزان تجاری در مخازن و این واقعیت که اکتشاف و بهره‌برداری نفت تنها با پذیرش ریسک و صرف هزینه توسط آرامکو انجام می‌شد ضعیف بود.

بعدها و به دلیل تغییر شرایط در صنعت بین‌المللی نفت، عربستان سعودی مانند اکثر کشورهای تولیدکننده نفت در حال توسعه، از قراردادهای امتیازی ناراضی شدند؛ چرا که این امتیازات منجر به محرومیت آن‌ها از اعمال اقتدار حکومتی بر منابع طبیعی‌شان و هدایت چنین منابعی در جهت ارتقاء توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌شد. عربستان سعودی از عدم توازن شرایط قراردادهای امتیازی آرامکو ناراضی بود. این عدم توازن به آرامکو حق انحصاری برای کنترل تمام جنبه‌ای صنعت نفت در این کشور را اعطا می‌کرد و از این رو، دولت را از مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، به ویژه آن‌هایی که مربوط به تعیین نرخ تولید نفت خام و قیمت نفت بودند محروم می‌کرد. این نارضایتی با ظهور عوامل خاصی در صنعت بین‌المللی نفت به سرعت افزایش پیدا کرد. در نتیجه این عوامل نوظهور قدرت چانه‌زنی مقامات سعودی را در مقابل آرامکو تقویت کرد. این تغییرات منجر به تغییر ساختار امتیازنامه‌های آرامکو و در نهایت در اختیار گرفتن^۲ کامل آرامکو شد. به دلیل نقش پررنگ آرامکو عربی-آمریکایی در تاریخ نفت عربستان سعودی و جایگاه شرکت نفت آرامکو سعودی کنونی در صنعت نفت این کشور، نام این شرکت در نوشته حاضر بسیار تکرار می‌شود و فصل‌بندی مقاله عمدتاً

^۱ Paasha, Mahdavi, "The Politics of Oil Nationalizations", PHD Dissertation, University of California, ۲۰۱۵, ۶۷.

^۲ Take over

بر مبنای تحولات این شرکت تنظیم شده است.

در راستا مرور سیر تحول حقوق و صنعت نفت عربستان بخش اول مقاله به سیر انعقاد امتیازنامه، شروط و اشکالات آن اختصاص دارد. در بخش بعدی به تحول امتیازنامه مذکور و تصاحب آرامکو خواهیم پرداخت. در انتها وضعیت آرامکو در سالیان پس از تصاحب، وضعیت کنونی و چشم‌انداز آتی را بررسی خواهیم کرد.

بخش اول: سیر انعقاد امتیازنامه، شروط، اجرا و اشکالات آن

در ابتدا به سیری که در نهایت منجر به انعقاد امتیازنامه شد خواهیم پرداخت. سپس مهم‌ترین شروط قرارداد امتیاز و مسائل حول محور اجرای این قرارداد را ملاحظه خواهیم کرد. در پایان اشکالات وارده بر قراردادهای امتیازی از دید عربستان سعودی مرور می‌شود.

بند اول: سیر انعقاد امتیازنامه

در اوایل دهه ۱۹۲۰، به دنبال کشف تجاری نفت در ایران در سال ۱۹۰۸ و در عراق در سال ۱۹۲۳، دولت عربستان سعودی از دولت بریتانیا برای تشویق شرکت نفت ایران-انگلیس^۱ به جستجوی نفت در عربستان سعودی کمک خواست. در سال ۱۹۲۳، دولت عربستان سعودی اولین امتیاز را به سندیکای شرقی و عمومی،^۲ یک گروه بریتانیایی، برای اکتشاف نفت در استان شرقی عربستان سعودی اعطا منطقه امتیاز تقریباً ۳۶۰۰۰ مایل مربع را پوشش می‌داد. در قرارداد امتیاز مقرر شده بود که اگر شرکت به مدت ۱۸ ماه فعالیت خود را متوقف کند، دولت حق لغو آن را دارد. این شرکت شروع به اکتشاف کرد، اما نتوانست نفت را کشف کند، زیرا قادر به پرداخت هزینه‌های عملیات نبود. بنابراین، این امتیاز در سال ۱۹۲۷ ملغی شد.^۳

متعاقباً، کشف نفت به میزان تجاری در بحرین در سال ۱۹۳۱ باعث شد که چندین شرکت نفتی بین‌المللی به جستجوی نفت در عربستان سعودی علاقه‌مند شوند. در سال ۱۹۳۳، به دلیل ملاحظات سیاسی، دولت عربستان سعودی امتیازی به یک شرکت نفت آمریکایی، یعنی شرکت استاندارد اوایل کالیفرنیا^۴ اعطا کرد و پیشنهاد مهم شرکت نفت ژاپن^۵ را رد کرد.^۱

^۱ Anglo Iranian Oil Company

^۲ Eastern and General Syndicate

^۳ <https://archive.aramcoworld.com/issue/۱۹۹۰۱/prelude.to.discovery.htm>

^۴ Standard oil company of California

^۵ Japanese Oil Company

بند دوم: شروط قرارداد امتیاز ۱۹۳۳

قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ از اهمیت قابل توجهی برای رژیم حقوقی نفتی در عربستان سعودی برخوردار است. این نقطه شروع قراردادهای نفتی بعدی در سرزمین عربستان بود. علاوه بر این، اساسنامه آرامکو عربستان سعودی (سعودی آرامکو) در سال ۱۹۸۹ در ماده ۱۱ بیان می‌دارد که آرامکو عربستان موظف است طبق امتیاز ۱۹۳۳ و کلیه موافقت‌نامه‌های تکمیلی آن، حق امتیاز را به دولت بپردازد.

این قرارداد، منطقه امتیاز، مدت امتیاز، پرداخت‌هایی که باید توسط صاحب امتیاز به دولت انجام شود و حقوق و تعهدات متقابل طرفین را مشخص کرد. لازم به ذکر است که در زمان اعطای امتیاز، دولت عربستان سعودی نیاز مبرمی به بودجه داشت و از این رو در مذاکرات این موافقتنامه به جنبه‌های مالی توجه زیادی کرد. دولت در انعقاد این امتیازنامه نه استراتژی خاصی برای مذاکره با شرکت اندیشیده بود و نه قانونی برای تنظیم اکتشاف و توسعه منابع نفتی در کشور وضع کرده بود. در نتیجه، مقرراتی که در حال حاضر به طور معمول گنجانده می‌شود - مانند موارد مربوط به میزان هزینه‌ای که شرکت باید به فعالیت‌های اکتشافی اختصاص دهد، مشارکت دولت در فرآیند تصمیم‌گیری، تعهد شرکت به ارائه اطلاعات زمین‌شناسی اکتشاف به دولت، بند مذاکره مجدد، تعهد شرکت به سرمایه‌گذاری مجدد بخشی از بازده سرمایه‌گذاری در پادشاهی، تعیین نرخ تولید و قیمت نفت خام، حفظ منابع نفتی و غیره - در امتیاز ۱۹۳۳ گنجانده نشد و اختیار تمام این موارد با شرکت بود. در ذیل مهم‌ترین موضوعات مندرج در امتیازنامه ذکر می‌شود.

(الف) مالیات: این شرکت از حق انحصاری معافیت از کلیه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم برخوردار بود که در ماده ۲۱ آمده است: «در قبال تعهداتی که شرکت به موجب این قرارداد بر عهده گرفته و پرداخت‌هایی که این شرکت باید انجام دهد، شرکت از کلیه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و عوارض (شامل عوارض وارداتی و صادراتی)، معاف است؛ بدیهی است که این امتیاز نباید به تکالیف شخصی کارکنان شرکت تعمیم یابد.»

(ب) حقوق انحصاری: علاوه بر این، قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ به شرکت حق انحصاری اکتشاف و

^۱ Daniel Yergin, "The Epic Quest for Oil, Money, and Power, Simon and Schuster, New York, ۱۹۹۱, ۲۹۱. A supplement agreement in ۱۹۳۹ extended the size of the concession for an additional one-time payment and new annual rental fees, on top of existing royalties, by the company to Saudi Arabia. See also, The International Petroleum Cartel, Staff report to the Federal Trade Commission, ۲۰۱۰, ۱۱۷.

بهره‌برداری از نفت در استان شرقی عربستان سعودی را برای مدت ۶۰ سال اعطا کرد. همچنین حق انحصاری صادرات و فروش نفت و فرآورده‌های آن که از منطقه امتیاز تولید می‌شد به شرکت داده شد.

(ج) پرداخت‌های شرکت نفتی: بیشتر شروط این قرارداد مربوط به پرداخت‌هایی بود که شرکت در حق دولت انجام می‌داد. این پرداخت‌ها شامل پاداش وام اولیه ۳۰۰۰۰ پوندی طلا یا معادل آن بود که پس از امضای قرارداد پرداخت می‌شد؛ پیش پرداختی به میزان ۵۰۰۰۰ پوند طلا؛ هزینه سطح سالانه ۵۰۰۰ پوند طلا یا معادل آن.^۱

(د) آزادسازی: هزینه سطح سالیانه که باید توسط شرکت پرداخت می‌شد، به نفع کشور بود زیرا مانع در دست نگه داشتن مناطق اکتشافی و موجب تسریع در آزادسازی^۲ مناطقی می‌شد که اکتشاف در آن‌ها به انجام نمی‌رسید. ویژگی اصلی این موافقتنامه به لحاظ مالی، حق امتیازی است که به میزان چهار شیلینگ به ازای هر تن نفت خام تولیدی شرکت تعیین شده است. از آنجایی که عربستان سعودی قصد داشت توسعه سریع منطقه امتیاز را تضمین کند، موافقتنامه حاوی بند آزادسازی بود. طبق ماده ۹، شرکت موظف بود از بخش‌هایی از منطقه موضوع امتیازنامه که تصمیم به انجام عملیات اکتشاف در آن‌ها را ندارد صرف نظر کند. هنری کاتان در مورد این شرط چنین توضیح داد: «امتیاز اولیه آرامکو در ۲۹ مه ۱۹۳۳ و توافق آن با عربستان سعودی در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۸ که مفهوم آزادسازی تدریجی مناطق امتیاز نفت را اجرا می‌کرد احتمالاً به اندازه موافقتنامه ۳۰ دسامبر ۱۹۵۰ بین همان طرفین که مفهوم تقسیم سود برابر را معرفی کرد، مهم و سرنوشت ساز بود. از آن زمان، اصل آزادسازی در قوانین نفتی و همچنین در امتیازنامه‌های جدید و قدیم وارد شد.»^۳

(ه) شرط استخدام اتباع سعودی و تاثیر آن

ماده ۲۳ قرارداد امتیاز اولیه مشتمل بر شرطی بود که می‌توان آن را سرآغاز شکل‌گیری روند مهم در جامعه عربستان محسوب کرد. در این ماده آمده: «شرکت موضوع این قرارداد باید توسط آمریکایی‌ها هدایت و نظارت شود. در این راستا آن‌ها تا آنجا که ممکن است اتباع سعودی را استخدام خواهند

^۱ linn, Keith; Duval, Claude; Le Leuch, Honore and Pertuzio, Ander, International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements, London, Euromoney Publications, ۱۹۸۶, ۲۳۶.

^۲ Relinquishment

^۳ Cattam, Henry, The Evolution of Concession Agreements in Middle East and North Africa, New York, ۱۹۶۷, ۱۲.

کرد و تا جایی که شرکت بتواند کارمندان سعودی مناسبی پیدا کند، اتباع دیگر را استخدام نخواهد کرد.» در همین راستا نیز اولین مدرسه شرکتی در می ۱۹۴۰ در خانه الخبر حججی بن جاسم، مترجم و اولین مربی شرکت آغاز شد. النعیمی خاطرنشان کرد: «از ابتدا توسعه آرامکو به طور مستقیم با بهبود وضعیت عربستان سعودی مرتبط بود.» مدرسه دیگری در سال ۱۹۴۱ در ظهران قرار داشت که مدرسه جبل نام داشت. پسروانی که در سطح ابتدایی استخدام می شدند در ساعت ۷ صبح به مدت چهار ساعت و به دنبال آن چهار ساعت کار در بعد از ظهر را می گذراندند. در سال ۱۹۵۰، آرامکو مدارسی برای ۲۴۰۰ دانش آموز ساخت. در سال ۱۹۵۹، آرامکو اولین گروه از دانشجویان سعودی را به کالج در ایالات متحده فرستاد. در سال ۱۹۷۰، آرامکو شروع به استخدام اولین فارغ التحصیلان دبیرستان کرد و در سال ۱۹۷۹ شروع به ارائه بورسیه تحصیلی کرد. در سال ۱۹۶۵، ظفرح. حسینی به عنوان اولین مدیر سعودی معرفی شد. یکی از دانشجویان اولیه النعیمی بود که در نوامبر ۱۹۸۳ به عنوان اولین رئیس شرکت آرامکو انتخاب شد. همانطور که النعیمی می گوید، «شرکت نفت خود را متعهد به افزایش سعودی های واجد شرایط برای تبدیل شدن به متخصصان کاملاً تحصیل کرده و آموزش دیده صنعت می داند.» در سال ۱۹۴۳، ۱۶۰۰ سعودی در آرامکو استخدام شدند و تا سال ۱۹۸۷، نزدیک به دو سوم از ۴۳۵۰۰ نیروی کار قدرتمند آرامکو سعودی ها بودند. در سال ۱۹۸۸، النعیمی به عنوان مدیرعامل و هشام ناظر رئیس هیئت مدیره، اولین سعودی هایی بودند که این سمت ها را بر عهده گرفتند. «اوج سعودی سازی» زمانی رخ داد که میدان نفتی شبیه در ژوئیه ۱۹۹۸ پس از سه سال تلاش تیمی متشکل از ۹۰ درصد سعودی ها به بهره برداری رسید. آرامکوی سال ۲۰۱۶ هنوز هم حدود ۱۵ درصد نیروی کار خارج از کشور داشت، بنابراین آرامکو می تواند، به قول النعیمی، «مطمئن باشد که به آخرین فناوری ها و تخصص فنی دسترسی دارد».^۱

بند سوم: اجرای قرارداد امتیازی

به نظر می رسد که شرکت استاندارد اوایل کالیفرنیا از عهده مخارج قابل توجهی که برای فعالیت های اکتشافی نیاز بود بر بیاید. بدین ترتیب در سال ۱۹۳۴ شرکت تگراس به شرکت استاندارد اوایل کالیفرنیا با نام «شرکت نفت استاندارد عربی کالیفرنیا»^۲ پیوست. این شرکت های آمریکایی پس از یافتن نفت به

^۱ Al-Naimi, Ali, Out of the Desert. Great Britain, Portfolio Penguin, ۲۰۱۶، ۱۴، ۲۶-۲۸، ۵۰-۵۱، ۷۶، ۹۳، ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۲-۱۲۳، ۱۲۹، ۱۴۳، ۲۲۲. ISBN ۹۷۸۰۲۴۱۲۷۹۲۵۰.

^۲ The California Arabian Standard Oil Company

میزان تجاری در نزدیکی طهران در سال ۱۹۳۸ به استاندارد اوایل ملحق شدند.^۱

در ماه می ۱۹۳۹، دولت عربستان سعودی یک قرارداد تکمیلی با شرکت جدید منعقد کرد. بر اساس این قرارداد، منطقه امتیاز حدود ۸۰۰۰۰ مایل مربع و دوره امتیاز نیز به مدت ۶۵ سال افزایش پیدا کرد. علاوه بر این، حقوقی به این شرکت در رابطه با حقی که دولت سعودی در دو منطقه بی طرف مشترک با کویت و عراق داشت اعطا شد. با توجه به ذخایر عظیم نفتی که در عربستان سعودی کشف شد، شرکت استاندارد نفت کالیفرنیا مجبور شد امتیاز را با شرکت‌های دیگر، یعنی شرکت استاندارد اوایل نیوجرسی^۲ و شرکت نفت سوکانی موبیل^۳ به اشتراک بگذارد. در فوریه ۱۹۴۴، نام شرکت نفت عرب کالیفرنیا تغییر کرد و به «شرکت نفت عربی آمریکایی»^۴ (آرامکو) تبدیل شد و در سال ۱۹۴۸، شرکت استاندارد اوایل کالیفرنیا، شرکت استاندارد نفت نیوجرسی و شرکت تگزاس هر یک ۳۰ درصد و شرکت نفت سوکانی موبیل ۱۰ درصد از سهام آرامکو را خریداری کردند.

در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۸، دولت عربستان سعودی با آرامکو یک قرارداد فراساحلی منعقد کرد. به این ترتیب حقوق انحصاری که آرامکو بر اساس قرارداد اصلی خود در سال ۱۹۳۳ از آن برخوردار بود، برای پوشش کل منطقه فراساحلی عربستان سعودی در خلیج عربی گسترش یافت. بر اساس ماده ۵ این قرارداد، آرامکو از منطقه انحصاری خود در این سرزمین موسوم به منطقه بی طرف عربستان سعودی و کویت صرف نظر کرد.

در سال ۱۹۵۰ آرامکو خط لوله‌ای را از عربستان سعودی به بندر دریای مدیترانه در دریای صیدون، لبنان باز کرد که در سال ۱۹۸۳ به جز برای تامین پالایشگاهی در اردن بسته شد. یک خط لوله موفق‌تر نیز، با مقصدی در خلیج فارس، در سال ۱۹۸۱ به پایان رسید. با این حال در سال ۱۹۵۱ آرامکو اولین و بزرگترین میدان نفتی دریایی^۵ را در خاورمیانه یافته بود و در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، کنترل به تدریج به دولت عربستان سعودی منتقل شد که در نهایت آرامکو را تصاحب کرد و در سال ۱۹۸۸ این شرکت به آرامکو سعودی تغییر نام داد.^۶

^۱ "In War and Peace ۱۹۲۷-۱۹۴۶", *About Chevron*, archived from the original on ^۸ June ۲۰۱۱, retrieved ۱۹ June ۲۰۱۱

^۲ Standard Oil Company of New Jersey

^۳ Socony Mobil Oil Company

^۴ The Arabian American Oil Company

^۵ Safaniya

^۶ https://en.wikipedia.org/wiki/History_of_the_oil_industry_in_Saudi_Arabia#cite_note-۷

بند چهارم: اشکالات وارده بر قراردادهای امتیازی از دید عربستان سعودی

همانطور که بیان شد، در جریان مذاکرات قرارداد امتیاز ۱۹۳۳ و موافقت‌نامه‌های تکمیلی آن، توجه دولت سعودی بر نیاز فوری به بودجه برای رفع نیازهای مالی رو به رشد توسعه اقتصادی و اجتماعی متمرکز بود. علاوه بر این، سیستم سیاسی و اداری کشور به خوبی سازماندهی نشده بود تا بتواند سازوکاری موثر برای مذاکره با آرامکو فراهم کند. پادشاهی از ارزش عظیم منابع نفتی خود آگاه نبود و نمی‌توانست اهمیت آن برای جامعه بین‌المللی را پیش‌بینی کند.

بنابراین، همانطور که قبلاً گفته شد، موافقتنامه فاقد تعدادی از شروط اساسی که باید روابط بین دو طرف را بر مبنایی برابر و عادلانه تنظیم می‌کرد، بود. به ویژه آن شروطی که به دولت حق مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص عملیات، مدیریت، تعیین قیمت نفت خام و نرخ تولید را می‌داد.

شایان ذکر است که آرامکو در انجام کلیه مراحل عملیات نفتی از تولید تا بازاریابی از آزادی کامل برخوردار بود. بنابراین، ممکن است استدلال شود که در زمان مذاکره و اعطای امتیاز آرامکو، موازنه قدرت به شدت به نفع آرامکو بود. از این رو، کشورهای در حال توسعه تولیدکننده نفت و برخی از نویسندگان در این زمینه مدعی شدند که قراردادهای امتیازی سنتی منحصرأ به نفع صاحبان امتیاز بوده است. تنودور موران استدلال می‌کند که: «توافقی‌های اولیه نشان‌دهنده کنترل شبه انحصاری شرکت‌های خارجی بر مهارت‌های لازم برای به جریان انداختن عملیات بزرگ و منعکس‌کننده تخفیف‌های بسیار زیاد به علت قبول ریسک شکست در کشف تجاری بوده است. توافقی‌های اولیه ممکن است نشان‌دهنده ناآگاهی کشور میزبان از رویه‌های صنعت و رویه‌های مالیاتی و حسابداری بین‌المللی نیز باشد. نتیجه این است که تقریباً تمام امتیازات منابع طبیعی بزرگ به نظر می‌رسد که با شرایط بسیار مطلوب برای سرمایه‌گذار خارجی نوشته شده‌اند.»^۱

علاوه بر این، اعتبار قراردادهای امتیاز سنتی توسط برخی از نویسندگان مورد تردید قرار گرفته‌اند. حسن زکریا استدلال می‌کند که: «نمی‌توان با اطمینان گفت که اراده آزاد طرفین که از شرایط اساسی صحت قرارداد است، در زمان اعطای این امتیازات وجود داشته است.»^۲

^۱ Moran, TH, "The Evolution of Concession Agreements in Underdeveloped Countries and the United Nations Interests", ^۲ Vanderbilt Journal of Transnational Law, ۱۹۷۴, ۳۱۵.

^۲ Zakaria, Hassan, Arab Oil: The Urgent Need for a New Deal, ^۱ Arab Oil and Gas, no ۳۳ ۱۱, ۱۹۷۲, ۱۲.

روابط عربستان سعودی و آرامکو بعدها تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفت که باعث نارضایتی دولت سعودی از قراردادهای امتیازی خود شد. نارضایتی دولت برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۵۰ ظاهر شد. در این زمان عربستان سعودی خواستار سهم ۵۰ درصدی از سود آرامکو از عملیات خود در خاک عربستان شد. پس از ورود سایر شرکت‌های نفتی («تازه واردان») به صنعت نفت بین‌المللی به عنوان رقیب، بر اساس انواع جدید قراردادهای، یعنی قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک،^۱ عربستان سعودی خواستار ۲۵ درصد از سهام آرامکو شد تا در فرآیند تصمیم‌گیری در عملیات آرامکو مشارکت پیدا کند.

بخش دوم: تحول قرارداد امتیازی و تصاحب آرامکو

در این فصل ابتدا خواهیم دید موقعیت چانه‌زنی عربستان در برابر آرامکو به مرور و به دلایلی تغییر یافت (مبحث اول)، در نتیجه این تغییر موقعیت، ابتدا بحث از فرمول تقسیم سود به صورت ۵۰-۵۰ (مبحث دوم) به میان آمد. سپس توافقنامه عمومی مشارکت امضا شد (مبحث سوم). در نهایت این روند به تصاحب آرامکو (مبحث چهارم) منجر گردید.

بند اول: تغییر موقعیت چانه‌زنی عربستان سعودی در برابر آرامکو

تا اواخر دهه ۱۹۵۰، دولت عربستان سعودی صرفاً نگران جنبه‌های مالی قراردادهای امتیازی خود بود. همانطور که اشاره شد، این موضوع در تسلیم شدن آرامکو در برابر وضع مالیات بر درآمد ۵۰ درصدی منعکس شد. لازم به ذکر است که علیرغم افزایش درآمد نفتی ناشی از مالیات بر درآمد ۵۰ درصدی، این درآمد همچنان وابسته به سود شرکت آرامکو بود.^۲ بنابراین، هنگامی که آرامکو، به طور مشترک با سایر شرکت‌های نفتی بزرگ بین‌المللی، تولید خود را در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ افزایش داد، قیمت نفت کاهش یافت و درآمد نفت عربستان سعودی نیز کاهش پیدا کرد.

نارضایتی دولت عربستان سعودی از امتیازات نفتی خود به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفت که در اواخر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رخ دادند. در این دوره احساسات ناسیونالیستی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ظهور یافت. از این رو، قراردادهای امتیاز نفت ناسازگار با منافع عمومی کشورهای میزبان تلقی می‌شد، زیرا این قراردادهای به صاحبان امتیاز حق انحصاری بر تمام جنبه‌های عملیات نفتی می‌دادند و کشورهای میزبان را از کنترل لازم بر درآمدهای نفتی و حرکت به سمت

^۱ Joint Venture Agreements.

^۲ https://wps.pearsoncustom.com/wps/media/objects/۲۴۲۶/۲۴۸۴۷۴۹/chap_assets/documents/doc۳۴_۳.html

توسعه اقتصادی و اجتماعی محروم می کردند.

در دهه ۱۹۶۰، کشورهای در حال توسعه نگرانی خود را در مورد اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی ابراز کردند. بنابراین مجمع عمومی ملل متحد مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها را تصویب کرد که بر حق همه دولت‌ها برای اعمال حاکمیت دائمی بر ثروت و منابع طبیعی خود تاکید می‌کرد. چنین تلاش‌هایی با به رسمیت شناختن حاکمیت دولت بر ثروت و منابع طبیعی آن به عنوان یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل خاتمه یافت. کشورهای میزبان ادعا کردند که تسلط انحصاری شرکت‌های نفتی بین‌المللی بر صنعت نفت آن‌ها، با اصل حاکمیت دولت بر ثروت و منابع طبیعی آن در تضاد است. اکثر کشورهای تولیدکننده نفت در حال توسعه به این اصل استناد کردند تا خواستار مذاکره مجدد در مورد قراردادهای امتیازی خود شوند.^۱

روابط دولت عربستان سعودی و آرامکو تحت تأثیر شرایط جدید بازار بین‌المللی نفت در دهه ۱۹۵۰ قرار گرفت. این بازار تحت تأثیر رویدادهای زیر قرار گرفته بود:

الف) ورود شرکت‌های نفتی جدید به بازار بین‌المللی نفت و ظهور نوع جدیدی از قراردادهای نفتی، یعنی قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک. شرکت‌های تازه وارد شامل شرکت‌های نفتی مستقل آمریکایی و شرکت‌های دولتی کشورهای اروپای شرقی و ژاپن بودند. این شرکت‌ها وارد بازار نفت بین‌المللی شدند که تحت تسلط هفت شرکت نفتی بین‌المللی (شرکت‌های اعظم)^۲ بود. تازه واردان برای رقابت با شرکت‌های اعظم، اشکال جدیدی از موافقت‌نامه‌ها، یعنی قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک را به کشورهای تولیدکننده پیشنهاد کردند.^۳ بر اساس این نوع قرارداد، به کشورهای تولیدکننده فرصت داده شد تا در بهره‌برداری از منابع نفتی خود به صورت برابر با شریک خارجی مشارکت کنند و توانستند دانش و تجربه بیشتری در مورد عملیات نفتی به دست آورند.

ب) ایجاد شرکت‌های ملی نفت در کشورهای میزبان. ایجاد این شرکت‌ها منعکس‌کننده تمایل کشورهای تولیدکننده نفت برای اعمال کنترل مؤثر بر بهره‌برداری از منابع نفتی خود و نمایندگی آن‌ها در قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترکی بود که با تازه واردان منعقد شد.

^۱ Okeefe, P J, "The United Nations and Permanent Sovereignty over Natural Resources", ^۸ Journal of World Trade Law, ۱۹۷۴, ۲۳۹-۲۸۲.

^۲ The majors

^۳ The first joint venture agreements were concluded by ENI with Egypt and Iran in ۱۹۵۷. See Rouhani, F A, History of OPIC, US, Preager Publishers INC, ۱۹۷۱, ۵۲.

در مورد عربستان سعودی باید گفت، اولین شرکت ملی نفت، یعنی سازمان عمومی نفت و مواد معدنی (پترومین) در سال ۱۹۶۲ تأسیس شد. پترومین از شخصیت حقوقی برخوردار است و عمدتاً مسئولیت توسعه پالایشگاه‌های نفت و صنایع معدنی در عربستان را بر عهده دارد. تأسیس شرکت پترومین نشان‌دهنده تمایل دولت عربستان سعودی برای مشارکت در مراحل مختلف توسعه منابع نفتی این کشور و کسب دانش و تجربه بیشتر در زمینه صنایع نفت و معدن بود و از این رو پترومین یک حوزه خاص را در پیش گرفت و آن مسئولیت اجرا و اداره پروژه‌های نفت و معادن عمومی در عربستان سعودی و انجام مطالعات و تحقیقات مربوط به امور نفت و معدن بود.

ج) تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۱۹۶۰ و نقش آن در تقویت قدرت چانه‌زنی کشورهای عضو آن. هدف اصلی تشکیل اوپک، هماهنگی سیاست‌های نفتی کشورهای عضو آن بود.

اوپک در دهه اول تأسیس خود بر تعدیل قراردادهای امتیازی بین اعضای خود و شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی تمرکز کرد. برای دستیابی به این هدف، اوپک سه قطعنامه در ژوئن ۱۹۶۲ صادر کرد. قطعنامه شماره ۳۲ که در مورد مبنای پرداخت مالیات بر درآمد، قطعنامه شماره ۳۳ که به حق امتیازها و قطعنامه شماره ۳۴ مربوط به بازاریابی بود. علاوه بر این، اوپک به اعضای خود توصیه کرد که از اصل تغییر شرایط^۱ به عنوان یک زمینه قانونی برای آغاز مذاکره مجدد امتیازنامه‌هاشان استناد کنند.^۲ رویدادهای فوق باعث تغییر در قدرت چانه‌زنی بین دولت عربستان سعودی و آرامکو به نفع دولت شد. در نتیجه، آرامکو درخواست دولت عربستان سعودی را برای تغییر ساختار قراردادهای امتیازی خود ناشی از ایجاد شرایط جدید پذیرفت.

بند دوم: فرمول تقسیم سود ۵۰-۵۰

قدرت چانه‌زنی کشورهای در حال توسعه تولیدکننده نفت با رویدادهایی که در صنعت بین‌المللی نفت در اواخر دهه ۱۹۴۰ رخ داد، تقویت شد. از جمله این رویدادها می‌توان به افزایش تقاضا برای نفت پس از جنگ جهانی دوم و ظهور «تازه‌واردان» در صنعت بین‌المللی نفت اشاره کرد. در سال ۱۹۴۳، دولت ونزوئلا قانون نفتی را وضع کرد که ۵۰ درصد مالیات بر درآمد را بر شرکت‌های نفتی خارجی

^۱ Rebus sic stantibus

^۲ Mugraby, Mohammad, Permanent Sovereignty over Oil Resources: A Study of Middle East Oil Concession and Legal Change, Beirut, ۱۹۶۶, ۱۹۳.

که در قلمرو آن کشور فعالیت می‌کردند، تحمیل کرد. این اقدام دولت عربستان سعودی را تشویق کرد تا به آرامکو دستور دهد درآمدهای نفتی خود را افزایش دهد. علاوه بر این، دولت عربستان سعودی به مالیات بر درآمدی که از سوی آمریکا بر آرامکو تحمیل شده بود اعتراض کرد و مدعی شد که آرامکو در واقع مالیات برای بهره‌برداری از نفت عربستان که باید به عربستان سعودی پرداخت می‌کرد را به آمریکا پرداخت کرده است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۴۸، ایالات متحده آمریکا ۴۴ میلیون دلار مالیات بر درآمد از آرامکو دریافت کرد در حالی که عربستان سعودی فقط ۳۹ میلیون دلار آمریکا دریافت کرد.^۱ در نهایت در ۳۰ دسامبر ۱۹۵۰ دولت عربستان سعودی و آرامکو توافق کردند که شرطی از امتیازنامه که آرامکو را از هرگونه مالیات بر درآمد معاف می‌کرد را ملغی کرده و به جای آن آرامکو مشمول مالیات بر درآمد ۵۰ درصدی گردد. این قرارداد به قرارداد مشارکت در سود معروف شد. به موجب این قرارداد، سود آرامکو که از طریق فروش نفت خام در ساحل عربستان به دست می‌آمد، به طور مساوی با عربستان سعودی تقسیم می‌شد.^۲ در ماده ۱ این قرارداد آمده بود: «در هیچ موردی نباید مجموع مالیات بر درآمد و سایر مالیات‌ها، حق امتیازها، اجاره‌ها و عوارض دولت برای هر سال از ۵۰ درصد درآمد ناخالص شرکت، پس از کسر هزینه‌های عملیات آرامکو از جمله زیان و استهلاک (نه مالیات یا حق امتیاز)، تجاوز نماید.» دولت ایالات متحده آمریکا با به کار بستن آنچه «ترفند طلایی» خوانده می‌شد میزان سودی را که شرکت‌های وابسته به آرامکو در نتیجه تقسیم سودهای نفتی با آل سعود از دست داده بودند به صورت تخفیف مالیاتی به آن‌ها اعطا کرد. در پی ترتیبات جدید، دفتر مرکزی شرکت از نیویورک به طهران منتقل شد.

لازم به ذکر است که فرمول تقسیم سود ۵۰-۵۰ اولین گامی بود که دولت عربستان سعودی برای اعمال حاکمیت خود بر منابع نفتی‌اش و تنظیم مجدد قرارداد امتیاز یک طرفه با آرامکو برداشت. این توافقنامه به عنوان فرمولی برای سایر کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه رویه‌ای ایجاد کرد. در این رابطه، نورث کات الی اشاره کرده است که: «عربستان سعودی اولین دولت خاورمیانه‌ای شد که طرح ۵۰-۵۰ را اجرا کرد و در عرض دو سال، اصل تقسیم سود ۵۰-۵۰ به تمام توافق‌نامه‌های امتیاز نفت

^۱ Anderson, I H, "The American Oil Industry and the ۵۰-۵۰ Agreement of ۱۹۵۰", in James A Bill and W M Roger, eds, Musadagh: Iranian Nationalism and Oil, London, ۱۹۸۸, ۱۴۶.

^۲ Ibid, ۱۵۵.

جهان پیوند زده شد.^۱

بند سوم: توافقنامه عمومی مشارکت

زمانی که دولت عربستان سعودی خواستار مذاکره مجدد آرامکو در قراردادهای امتیازی خود شد تا در مدیریت و فرآیند تصمیم‌گیری آرامکو مشارکت کند، آرامکو این درخواست را رد کرد و برای توجیه این تصمیم به اصل لزوم قراردادها^۲ استناد کرد. بعدها، قدرت چانه‌زنی آرامکو به دلیل رویدادهای دراماتیکی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ رخ داد، تضعیف شد. از جمله این رویدادها، ملی شدن صنایع نفت در اکثر کشورهای عضو اوپک و تحریم نفتی در سال ۱۹۷۳ بود.^۳ در حقیقت این سهام پس از جنگ اعراب و اسرائیل در آن سال (که به عنوان جنگ یوم کیپور نیز شناخته می‌شود) خریداری شد. در رابطه با این جنگ، ایالات متحده با ارائه کمک‌هایی از جمله عملیات نیکل گراس، یک حمل‌ونقل هوایی استراتژیک برای تامین تسلیحات و تجهیزات جایگزین به اسرائیل، از اسرائیل حمایت کرد.^۴ تولیدکنندگان اوپک در همبستگی با کشورهای درگیر جنگ، پیش از اعلام تحریم و کاهش تولید، قیمت صادرات نفت به کشورهای غربی را به شدت افزایش دادند.^۵ سپس دولت عربستان سعودی اعلام کرد تصمیم داد بخشی از آرامکو را ملی کند.

تحریم نفتی مهمترین عامل در بازسازی روابط آرامکو-عربستان و عربستان است. مهم‌ترین پیامدهای تحریم، حذف مازاد نفت از بازار جهانی و تعیین یک‌جانبه قیمت نفت توسط کشورهای عضو اوپک بود. با توجه به این تغییر چشم‌گیر در قدرت چانه‌زنی عربستان سعودی در مقابل آرامکو، عربستان سعودی مذاکرات خود را با آرامکو در رابطه با موضوع مشارکت آغاز کرد. در نتیجه، در دسامبر ۱۹۷۲، موافقت‌نامه عمومی مشارکت بین عربستان سعودی و ابوظبی از یک سو و صاحبان امتیاز آن‌ها از سوی دیگر، منعقد شد. این قرارداد به عربستان سعودی حق خرید ۲۵ درصد از سهام آرامکو را اعطا کرد و توافق شد که این نرخ در سال ۱۹۸۱ به ۵۱ درصد افزایش یابد. علاوه بر این، عربستان سعودی در نفت خام تولید شده توسط آرامکو و تأسیسات تولید واقع در این کشور منافعی را به دست آورد.

^۱ Ely, Northcut, Robert F. Pietrowski Jr., "Changing Concept of the World's Mineral and Petroleum Development Laws", in *BYU Law Review*, Volume ۱۹۷۶, Issue ۱, ۲۹.

^۲ Pacta Sunt Servanda

^۳ Shaxson, N., *Poisoned Wells: The Dirty Politics of African Oil*. Palgrave Macmillan, New York, ۲۰۰۷, ۱-۲.

^۴ Charles D. Smith, *Palestine and the Arab-Israeli Conflict*, New York, Bedford, ۲۰۰۶, ۳۲۹.

^۵ <https://۲۰۰۹-۲۰۱۷.state.gov/r/pa/ei/bgn/۳۵۸۴.htm>

اندازه این منافع باید برابر با درصد مشارکت پادشاهی می بود. همچنین به عربستان سعودی این فرصت داده شد تا در مدیریت آرامکو مشارکت کند.

بند چهارم: تصاحب آرامکو

علیرغم بهبود شرایط مالی قراردادهای امتیازی، دولت عربستان سعودی همچنان نتوانست صنعت نفت خود را کنترل کرده و آن را به سمت توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور هدایت کند. علت امر این بود که تمام جنبه‌های صنعت به طور انحصاری تحت سلطه آرامکو بود. در دهه ۱۹۶۰، عربستان سعودی و همچنین سایر کشورهای عضو اوپک، تصمیم گرفتند که ساختار قراردادهای امتیازی خود با امتیازدهندگان خود را بازسازی کنند تا به کنترل ملی بر منابع نفت خام خود دست یابند. برخی از این کشورها مانند ایران، عراق، الجزایر و لیبی این هدف را از طریق ملی شدن تامین کردند. در مقابل، عربستان سعودی برای دستیابی به این هدف به مذاکره دوستانه متوسل شد.^۱

در این خصوص، ممکن است سوال شود که چرا عربستان مشارکت را به ملی سازی ترجیح داد؟ دلایل متعددی وجود دارد که به نظر می رسد این دلایل دولت سعودی را به اتخاذ این نگرش واداشته است. نخست- از نظر دولت سعودی، ملی سازی با نظام اقتصادی آن کشور هماهنگی نداشت.^۲ دوم- از آنجایی که عربستان سعودی فاقد منابع مالی و دانش فنی بود، نمی توانست نقش آرامکو را به عهده بگیرد و تمام مراحل عملیات نفتی را به طور مستقل انجام دهد. لذا در ۵ ژوئن ۱۹۷۴، دولت عربستان سعودی با آرامکو به توافقی دست یافت که به موجب آن موافقتنامه عمومی مشارکت بازنگری شد. بر این اساس، سهم سعودی ها از مشارکت به ۶۰ درصد افزایش یافت و ظاهراً عربستان سعودی قصد داشت تسلط کامل بر آرامکو را با افزایش مشارکت به صورت تدریجی تضمین کند.^۳ این مسئله توسط وزیر سابق نفت و منابع معدنی عربستان سعودی تأیید شد: "حتی قبل از امضای قرارداد مشارکت ۶۰ درصدی مالکان آمریکایی آرامکو از این رویکرد که هدف ما شروع مذاکره برای تصاحب ۱۰۰ درصدی شرکت است آگاه شده بودند". کاملاً دریافت شده بود که موافقتنامه ۵ ژوئن

^۱ Yamani, Ahmad, "Participation v Nationalisation: The Best Means to Survive", A Paper presented at the Third Seminar on the Economics of the International Petroleum Industry, held at the University of Beirut, Spring ۱۹۶۹.

^۲ Arab Oil and Gas, vol II, no ۲۵, ۱۹۷۲, ۲۶.

^۳ Arab Oil and Gas, vol III, no ۶۶, ۱۹۷۴, ۳۵.

۱۹۷۴ صرفاً برای فراهم کردن موجبات برای نهایی کردن ترتیبات انتقال آرامکو طراحی شده بود.^۱ در اواسط دهه ۱۹۷۰، دولت عربستان سعودی خواستار تملک ۴۰ درصد باقی‌مانده از دارایی‌های تولیدی آرامکو شد.^۲ سرانجام، در سال ۱۹۸۰، عربستان سعودی و آرامکو به توافقی دست یافتند که به موجب آن عربستان سعودی مالکیت ۱۰۰ درصدی دارایی‌های آرامکو را به دست آورد. بر اساس این توافقنامه، آرامکو به فعالیت و مدیریت عملیات نفتی از طرف دولت سعودی در قالب یک قرارداد خدماتی ادامه داد.^۳ استدلال شده است که اجازه دادن به آرامکو برای ادامه کار در عربستان سعودی نشان‌دهنده نگرانی دولت سعودی برای ادامه دسترسی به فن‌آوری کشورهای توسعه‌یافته و تمایل آن به داشتن عملیات مدیریتی کارآمد در صنایع آن کشور است.^۴

همچنین عربستان از اینکه ملی‌سازی می‌تواند منجر به رقابت تولیدی در میان کشورهای در حال ملی‌سازی شود واهمه داشت.^۵ از طرف دیگر ملی‌سازی شرکت نفت ایران-انگلیس توسط ایران که به سرنگونی دولت مصدق انجامید، دولت عربستان سعودی را از ملی کردن آرامکو منصرف کرد. دلیل دیگری که برای عدم ملی‌سازی یک‌باره می‌توان در نظر داشت این است که ممکن است دولت عربستان سعودی از اتخاذ اقدامات ملی‌سازی علیه آرامکو برای اجتناب از خشم آمریکا و بر هم خوردن روابط حسنه میان دو کشور خودداری کرده باشد.

بخش سوم: آرامکو سعودی و چشم‌انداز آتی

پس از تصاحب آرامکو ابتدا اساسنامه آرامکو سعودی تغییر یافت. در دوره مالکیت دولت عربستان سعودی نسبت به آرامکو دست‌یافته‌ها و پیشرفت‌های شایان توجهی رخ داد. جزئیات این پیشرفت‌ها و جایگاه آرامکو سعودی در اقتصاد عربستان در مبحث دوم این بخش ذکر خواهد شد. در پایان این بخش به بحث خصوصی‌سازی آرامکو و علت ایجاد این رویکرد خواهیم پرداخت.

^۱ Yamani, Ahmad, The Oil Industry in Transition, ^۸ Natural Resources Law, ۱۹۷۵, ۳۹۵.

^۲ امانی خاطرنشان کرد: این مذاکره با هدف توانمندسازی عربستان سعودی برای تضمین مالکیت کامل بخش نفت و امکان ادامه کار آرامکو در عربستان به عنوان پیمانکار انجام شد. مراجعه کنید به:

Middle East Economic Survey, vol XX, no ۴۰, ۱۹۷۷, ۱.

^۳ Petroleum Legislation, Supplement ۸۱, New York, Barrows, ۱۹۸۱, ۷۹-۸۱.

^۴ Borgen, T C, Energy Policies of the World: Arab States of the Persian Gulf, US, ۱۹۷۵, ۷۵.

^۵ Stevens, P J, Joint Venture in Middle East Oil ۱۹۵۷-۱۹۷۵, Middle East Economic Consultants, Beirut, ۱۹۷۶, ۱۳۴.

بند اول: اساسنامه آرامکو سعودی

پس از تصاحب، آرامکو در سال ۱۹۸۹ به یک شرکت ملی نفت تبدیل شد. در اساسنامه آرامکو در سال ۱۹۸۹ نام «آرامکو سعودی» تعیین شد.^۱ این تغییر نام نشان می‌دهد که آرامکو به شرکت ملی نفت تبدیل شده است و از آرامکو سابق (شرکت نفت عرب آمریکایی) متمایز شده است.

آرامکو سعودی به عنوان یک شرکت سهامی عام که تحت مالکیت دولت است تشکیل شد. این شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل و مسئولیت مالی است.^۲ آرامکو سعودی مسئولیت‌های مدیریتی و عملیاتی شرکت نفتی عربی آمریکایی (آرامکو) را بر عهده گرفت و طبق ماده ۴ اساسنامه‌اش مجاز شد تمام جنبه‌های عملیات نفتی (بالادست و پایین دست) در داخل عربستان سعودی و خارج از کشور را انجام دهد.

آرامکو سعودی بر اساس ماده ۵ اساسنامه عملکردهای زیر را به عهده گرفت:

«الف) به طور مستقل یا با شرکت‌ها یا سازمان‌های دیگر، شرکت‌ها یا پروژه‌هایی را در داخل یا خارج از پادشاهی تاسیس کند؛

ب) در شرکت‌ها یا سازمان‌هایی که در کارهای مشابه یا فعالیت‌های مرتبط مشارکت دارند، یا به هر شکلی که باشد، شرکت کند، یا به شرکتی در راستای تحقق اهداف خود، خواه در داخل یا خارج از پادشاهی، کمک کند. ممکن است چنین شرکت‌ها و سازمان‌هایی را خریداری، ضمیمه یا ادغام کند؛

ج) انجام مطالعات و تحقیقات به تنهایی یا از طریق دیگران و ارائه یا کسب خدمات مشاوره‌ای که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با عملیات و فعالیت‌های شرکت مرتبط است؛

د) سرمایه‌گذاری وجوه خود؛

ه) انجام عملیات فنی، علمی، مالی و تجاری و کلیه فعالیت‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تحقق اهداف شرکت کمک می‌کند، از جمله عملیات پشتیبانی و در نتیجه انعقاد قرارداد؛

و) استفاده از کلیه اختیارات قانونی دیگر، از جمله حق دعوا، اخذ، تملک، فروش یا تصرف حقوق و اموال غیرمنقول و پذیرفتن تعهدات یا تعهداتی از هر نوع که مرتبط به شرکت است.»

آرامکو سعودی در انجام عملیات خود مانند یک شرکت تجاری خصوصی به دنبال کسب سود است.^۳

^۱ Royal Decree No M/۸, dated ۴/۱/۱۴۰۹ H, ۱۹۸۹.

^۲ Saudi Aramco Statute, Articles ۷-۹.

^۳ Ibid, Article ۶.

عربستان سعودی از طریق آرامکو سعودی به دنبال انجام عملیات سرمایه‌گذاری مشترک پایین‌دستی با شرکت‌های خارجی، به ویژه شرکت‌های ایالات متحده و اروپا است.^۱ شرکت پالایش عربستان سعودی (SRI) نماینده آرامکو عربستان در شرکت Star Enterprise است و در نیمی از دارایی‌های پالایشی و سیستم بازاریابی مرتبط تگزاس در ۲۳ ایالت سهم دارد.

بند دوم: دست‌یافته‌ها و پیشرفت‌های آرامکو سعودی

در دهه ۱۹۸۰، زمانی که عربستان سعودی ۱۰۰ درصد مالکیت آرامکو سعودی را به دست آورده بود، پترومین نه تنها سودی به دست نیاورد، بلکه تاخیرهای زیادی را در پروژه‌های بزرگ پالایشگاهی خود تجربه کرد. در این زمان احتمال اینکه آرامکو تحت کنترل پترومین در بیاید مورد بررسی قرار گرفت. طرفداران آرامکو سعودی در نهایت در نبرد سیاسی برای حفظ دارایی‌ها و استقلال عملیاتی خود پیروز شدند. در حالی که فعالیت‌های آرامکو سعودی در دهه‌های بعد رشد می‌کرد، نقش پترومین کاهش می‌یافت و در نهایت در سال ۲۰۰۵ به دلیل تصاحب دارایی‌های پترومین توسط آرامکو سعودی، شرکت پترومین منحل شد. لازم به ذکر است که نبرد رهبری بین پترومین و آرامکو سعودی نیز بازتابی از جنگ‌های داخل‌خانان سلطنتی و دولت سعودی بود.^۲

توسعه آرامکو عربستان سعودی در چند دهه گذشته قابل توجه بوده است. این شرکت از طریق سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، پایدار بوده و از نظر فناوری پیشرفته باقی مانده است. از سال ۲۰۲۰، آرامکو سعودی یکی از بزرگترین شرکت‌ها در جهان از نظر درآمد است. این شرکت دومین ذخایر بزرگ اثبات شده نفت خام جهان را با بیش از ۲۷۰ میلیارد بشکه (۴۳ میلیارد متر مکعب) داشته و بزرگترین تولید روزانه نفت را در بین تمام شرکت‌های تولیدکننده نفت دارد. از سال ۱۹۶۵ آرامکو سعودی بزرگترین منتشرکننده کربن در جهان است. در ۱۱ می ۲۰۲۲، آرامکو عربستان سعودی با پیشی گرفتن از شرکت اپل به بزرگترین شرکت جهان از نظر ارزش بازار تبدیل شد.^۳

آرامکو سعودی بزرگترین شبکه تک هیدروکربنی جهان به نام Master Gas System را اداره

^۱ The Wall Street Journal, ۲۸ July ۱۹۸۹, ۵.

^۲ Hertog, S., Petromin: The slow death of statist oil development in Saudi Arabia, Business History, ۲۰۰۸, ۵۰ (۵), ۶۴۵-۶۶۷. Also available at [http://eprints.lse.ac.uk/۲۹۸۶۵/۱/Petromin_the_Slow_Death_of_Statist_Oil_Development_in_Saudi_Arabia_\(LSERO\).pdf](http://eprints.lse.ac.uk/۲۹۸۶۵/۱/Petromin_the_Slow_Death_of_Statist_Oil_Development_in_Saudi_Arabia_(LSERO).pdf)

^۳ Wearden, Graeme, "Saudi Aramco overtakes Apple as world's most valuable company", The Guardian, ۲۰۲۲.

می‌کند. این شبکه بیش از یکصد میدان نفتی و گازی در عربستان سعودی را مدیریت می‌کند که شامل ۲۸۸.۴ تریلیون فوت مکعب استاندارد (SCF) ذخایر گاز طبیعی است.

نرخ بازیافت عملیات نفتی این شرکت به طور متوسط حدود ۵۰ درصد است، اما می‌تواند تا ۷۰ درصد افزایش یابد، در حالی که میانگین جهانی حدود ۳۳ درصد است.^۱ فعالیت‌های آرامکو سعودی به ابعاد عظیمی رسیده است و امروزه بیش از هر شرکت دیگری در جهان نفت تولید می‌کند. ذخایر نفت آرامکو سعودی نیز به طور رسمی ۲۶۱ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود. این تقریباً ۱۰ برابر مجموع ذخایر چهار شرکت بزرگ انرژی بعدی (CNOOC, Shell, Chevron, Exxon) است.^۲ این شرکت نفت خام را اکشاف می‌کند، آن را به فرآورده‌های نفتی مانند بنزین و مواد شیمیایی پالایش می‌کند و همچنین نفت شرکت‌های دیگر را به عنوان یک تاجر مستقل خریداری کرده و می‌فروشد. یکی از نقاط قوت آرامکو سعودی این است که علیرغم اندازه آن، نسبتاً از سیاست در ریاض دور مانده است. علیرغم دولتی بودن، و برخلاف سایر NOC های اعضای اوپک، این شرکت سطح بالایی از خودمختاری عملیاتی را حفظ کرده است.^۳

آرامکو سعودی به سرعت تولید گاز طبیعی خود را افزایش داد و در یک سرمایه‌گذاری مشترک با داو کیمیکال، یک کارخانه پلاستیک ۲۰ میلیارد دلاری را در سال ۲۰۱۶ افتتاح کرد. آرامکو سعودی برای تنوع بخشیدن به تولید نفت، پالایشگاه دریای سرخ را که با سینوپک چین اداره می‌کند، توسعه داده است. در سال ۲۰۱۷ کنترل کامل بزرگترین پالایشگاه ایالات متحده (در پورت آرتور، تگزاس) که یک سرمایه‌گذاری مشترک با رویال داچ شل بود را به دست گرفت. این گسترش به بخش‌های جدید، به تنوع بخشیدن به اقتصاد و ایجاد ظرفیت صنعتی بیشتر کمک می‌کند.

در حالی که ردپای اشتغال در آرامکو سعودی در مقایسه با سایر NOC های اوپک نسبتاً کم است (مسلماً از آنجایی که فشار کمتری برای ایجاد شغل دارد)، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در راستای توسعه و رشد کارکنان داخلی انجام می‌دهد. بیش از ۳۰۰۰ کارگر صنعتی در سال ۲۰۱۲ تحت

^۱ The Economist, Behind the veil of Saudi Aramco, ۲۰۱۷, Also available at <https://www.economist.com/news/business/۲۱۷۲۹۴۷۲-biggest-oil-company-has-good-story-tell-it-candisentangle-its-image>

^۲ Barnett, A., French, J., & Said, S. How big is Aramco? Wall Street Journal, ۲۰۱۶. Available at

<https://graphics.wsj.com/what-is-aramco/>

^۳ Hertog, ۲۰۰۸, note ۶.

آموزش بودند و بیش از ۱۰۰۰ کارمند با بورسیه تحصیلی در ایالات متحده تحصیل می‌کردند.^۱ بسیاری از کارمندان سابق از تجربیات به دست آمده در آرامکو سعودی برای راه اندازی شرکت‌های خود استفاده می‌کنند. شرکت همچنین از آموزش فراتر از کارکنان خود پشتیبانی می‌کند. به عنوان مثال، برنامه «غنی سازی جوانان» را با همکاری سازمان های مختلف محلی راه اندازی کرده است که هدف آن آموزش ۲ میلیون سعودی تا سال ۲۰۲۰ است.^۲

در طول سال‌ها، دولت عربستان سعودی پروژه‌های بزرگی را به آرامکو سعودی واگذار کرده است، زیرا این شرکت به لحاظ مدیریت پروژه در سطح جهانی شهرت دارد. به عنوان مثال، زمانی که ملک عبدالله یک دهه پیش تصمیم به ایجاد اولین دانشگاه مشترک کشور در نزدیکی جده گرفت، از آرامکو سعودی برای مدیریت ساخت پروژه ۲۰ میلیارد دلاری استفاده کرد.

در حالی که این امور بر مهارت‌های آرامکوی سعودی تأثیر می‌گذارد، سلطه آن بر اقتصاد را نیز تقویت می‌کنند. مانند بسیاری از انحصارها، این انحصار نیز می‌تواند نوآوری را خفه کرده و منجر به ایجاد موانعی برای ورود مشاغل کوچک شود.^۳ در تلاشی جهت ایجاد ظرفیت داخلی، آرامکو سعودی برنامه ارزش افزوده کل در داخل پادشاهی (IKTVA) را در سال ۲۰۱۵ معرفی کرد. در نهایت آرامکو سعودی قصد دارد تا سال ۲۰۲۱ به ۷۰ درصد خصوصی‌سازی دست یابد. برنامه IKTVA فرمولی برای ارزش‌گذاری تامین کالا از داخل کشور،^۴ کالاها و خدمات بومی مورد استفاده، میزان حقوق پرداختی به سعودی‌ها و آموزش و توسعه سعودی‌ها را در نظر دارد.^۵

بند سوم: خصوصی‌سازی آرامکو سعودی

آرامکو سعودی به عنوان بخشی از برنامه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع عربستان، به

^۱ Hertog, ۲۰۱۳, note ۶.

^۲ Ibidem.

^۳ Martin Odendaal and Somine Dolo

Intergovernmental Forum on Mining, Minerals, Metals and Sustainable Development (IGF). (۲۰۱۸). Saudi Arabia: National capacity—Saudi Aramco—a state-owned global oil giant (Case Study). International Institute for Sustainable Development

^۴ Local content

^۵ Olawuyi, D, Local content and procurement requirements in oil and gas contracts: Regional trends in the Middle East and North Africa. Oxford Institute for Energy Studies, ۲۰۱۷. Also available at <https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content/uploads/۲۰۱۷/۱۱/Local-content-and-procurement-requirements-in-oil-and-gas-contracts-regional-trends-in-the-Middle-East-and-North-Africa-MEP-۱۸.pdf>

رهبری محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، بنا بود عرضه اولیه عمومی (IPO) را در اوایل سال ۲۰۱۷ انجام دهد اما این اقدام با شکست مواجه شد. پس از چندین تلاش ناموفق، در سپتامبر ۲۰۱۹، دو مورد از تاسیسات فرآوری نفت آرامکو سعودی، از جمله بزرگترین آن، در اقیانوس مورد حمله قرار گرفتند که خسارت قابل توجهی به بار آورد و به طور موقت ظرفیت تولید آن را مختل کرد. ظرف چند هفته خروجی شرکت به طور کامل بازسازی شد و در ماه نوامبر آرامکو سعودی اعلام کرد که قصد دارد با عرضه اولیه سهام به جلو حرکت کند. در نهایت عرضه اولیه سهام که بزرگترین عرضه اولیه سهام تا آن زمان بود در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹، در بورس اوراق بهادار Tadawul آغاز شد. سهام به ۳۵.۲ ریال سعودی افزایش یافت که ارزش بازار معادل با ۱.۸۸ تریلیون دلار آمریکا را برای این شرکت به ارمغان آورد و در روز دوم، معاملات از مرز ۲ تریلیون دلار فراتر رفت. در سال ۲۰۲۰، آرامکو سعودی به عنوان پنجمین شرکت بزرگ سهامی عام در جهان رتبه‌بندی شد. در مارس ۲۰۲۱، آرامکو سعودی اعلام کرد که درآمد این شرکت در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ تقریباً ۴۵ درصد کاهش یافته است، زیرا قرنطینه در سراسر جهان به دنبال همه‌گیری COVID-۱۹ باعث کاهش تقاضا برای نفت شده است.

عربستان سعودی تحت نظارت شاهزاده جوان، محمد بن سلمان، طرح چشم انداز ۲۰۳۰ خود را آماده کرد. چشم انداز ۲۰۳۰ در واقع طرحی برای نوسازی و تنوع بخشیدن به اقتصاد عربستان با برداشتن گام‌هایی از جمله بهره‌برداری از ذخایر معدنی دست نخورده، تقویت موقعیت کشور در پانتئون تجارت جهانی و افزایش درآمدهای گردشگری مذهبی است.

هرگونه سرمایه‌ای که از IPO جمع‌آوری می‌شود به صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) تزریق می‌گردد.

PIF در سال ۱۹۷۱ درست دو سال قبل از آغاز ملی شدن آرامکو راه اندازی شد. این صندوق در واقع یک صندوق سرمایه‌گذاری مستقل است و احتمالاً از پول IPO برای سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی استفاده می‌کند. پس از IPO، ۹۵ درصد باقیمانده آرامکو از کنترل دولت به دست PIF منتقل می‌شود.

نتیجه گیری

در جریان مذاکرات قراردادهای امتیاز اولیه بین آرامکو و دولت عربستان سعودی، موازنه قدرت به شدت به نفع آرامکو سنگین بود. در آن زمان، دولت با بحران مالی مواجه بود و به همین دلیل بیشترین

توجه را به دریافت فوری وجوه ناچیز داشت. علاوه بر این، سیستم اداری و سیاسی کشور به اندازه کافی سازماندهی نشده بود که بتواند سازوکاری موثر برای مذاکره با آرامکو فراهم کند. بنابراین، دولت چندان نگران شرایط اساسی قراردادهای نبود، به ویژه آنهایی که به آرامکو این حق را می داد تا به طور یکجانبه نرخ تولید را تعیین کند و قیمت نفت را تثبیت کند. بر اساس این قراردادها، آرامکو از آزادی کامل و حق انحصاری برای انجام تمام مراحل عملیات نفتی برخوردار بود. در مقابل، دولت عربستان سعودی از اعمال قدرت حاکمیتی خود بر منابع نفتی خود در محدوده مشمول این قراردادها محروم بود و اجازه مشارکت در فرآیند تصمیم گیری در هیچ جنبه ای از عملیات را نداشت. بنابراین، این قراردادها یک طرفه بود و منحصرأ به نفع آرامکو تنظیم شده بودند.

اما علیرغم نارضایتی دولت سعودی از قراردادهای خود با آرامکو و علیرغم تغییرات شدید سیاسی و اقتصادی که در صنعت بین المللی نفت رخ داده بود - که اکثر کشورهای تولیدکننده نفت را تشویق کرد تا از حق خود بر اساس قوانین بین المللی برای ملی کردن شرکت های خارجی که در قلمرو آن کشورها فعالیت می کردند استفاده کنند - مقامات سعودی از توسل به این گزینه خودداری کردند. در عوض به دنبال اصلاح قراردادهای خود با آرامکو از طریق توسل به ابزارهای دوستانه خصوصاً مذاکره بودند. از نظر عملی، این را می توان به عنوان شاهد روشنی از ایمنی سرمایه گذاری خارجی در عربستان سعودی در نظر گرفت.

بنابر آنچه گفته شد در خصوص شرکت های ملی نفت می توان درس هایی را از عملکرد دولت عربستان آموخت:

الف) ایزوله کردن شرکت در برابر فشارهای سیاسی، در جهت عملکرد کارآمد و برنامه ریزی بلندمدت اهمیت بسیار زیادی دارد. با وجود اینکه دولت عربستان سعودی دولتی متمرکز است، آرامکو سعودی نسبتاً از نفوذ سیاسی در امان مانده است. این مسئله در تعیین مدیران و اعضای هیئت مدیره دیده می شود که عموماً مهندسان بسیار ماهر برای این مسئولیت ها انتخاب می شوند.

ب) شرکت دولتی که موضوع اصلی اش (در این مورد اکتشاف و تولید نفت و گاز) را دنبال می کند، می تواند در حوزه های دیگر نیز جهت استفاده از قابلیت های شرکت به کار گرفته شود (به عنوان مثال ساخت و ساز و مدیریت پروژه). البته که اولویت با کارآمدی و رقابتی ماندن شرکت در حوزه موضوع اصلی است.

ج) شرکت های دولتی حتی با رعایت دو بند الف و ب همچنان می توانند خطراتی را برای اقتصاد ایجاد

کنند. اگر این شرکت‌ها ناکارآمد باشند، (همانطور که در مورد پترومین اینچنین بود) موجب هدر رفت و تخلیه منابع می‌شوند. حتی آرامکو سعودی که پیشرو بوده و هست، بر اقتصاد عربستان سعودی مسلط است و این سلطه به این معنی است که اگر آرامکو سعودی در سرمایه‌گذاری‌ها با شکست مواجه شود یا بازارها بی‌ثبات باشند، کل اقتصاد کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد. بنابراین اقتصاد یک کشور نباید در سلطه شرکت ملی نفت آن کشور باشد.

د) شرکت‌های دولتی می‌توانند منجر به توسعه و تشویق تولید داخلی شوند. وسعت آرامکو سعودی نسبت به حجم اقتصاد کشور عربستان به این معنی است که این شرکت می‌تواند با تغییر فرآیندهای خود تأثیر زیادی بر تأمین کنندگان داخلی داشته باشد.

- Al-Naimi, Ali (۲۰۱۶). Out of the Desert. Great Britain: Portfolio Penguin.
۱۴، ۲۶-۲۸، ۵۰-۵۱، ۷۶، ۹۳، ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۲-۱۲۳، ۱۲۹، ۱۴۳، ۲۲۲.
- Arab Oil and Gas, vol II, no ۲۵، ۱۹۷۲، ۲۶.
- Arab Oil and Gas, vol III, no ۶۶، ۱۹۷۴.
- Bargaen, T C, Energy Policies of the World: Arab States of the Persian Gulf, US: ۱۹۷۵، ۷۵.
- Charles D. Smith, Palestine and the Arab-Israeli Conflict, New York: Bedford, ۲۰۰۶، ۳۲۹.
- Cattan, Henry, The Evolution of Concession Agreements in Middle East and North Africa, New York: ۱۹۶۷، ۱۲.
- Charles D. Smith, Palestine and the Arab-Israeli Conflict, New York: Bedford, ۲۰۰۶، ۳۲۹.
- Hertog, S., . Petromin: The slow death of statist oil development in Saudi Arabia. Business History, ۵۰ (۵)، ۲۰۰۸، ۶۴۵-۶۶۷.
- linn, Keith; Duval, Claude; Le Leuch, Honore and Pertuzio, Ander, International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements, London: Euromoney Publications, ۱۹۸۶، ۲۳۶.
- Mugraby, Mohammad, Permanent Sovereignty over Oil Resources: A Study of Middle East Oil Concession and Legal Change, Beirut, ۱۹۶۶، ۱۹۳.
- Olawuyi, D., Local content and procurement requirements in oil and gas contracts: Regional trends in the Middle East and North Africa. Oxford Institute for Energy Studies, ۲۰۱۷.
- Petroleum Legislation, Supplement ۸۱, New York: Barrows, ۱۹۸۱، ۷۹-۸۱.
- Rouhani, F A, History of OPIC, US: Preager Publishers INC, ۱۹۷۱، ۵۲.
- Shaxson, N. ۲۰۰۷. Poisoned Wells: The Dirty Politics of African Oil. Palgrave Macmillan, New York, ۱-۲.
- Zakaria, Hassan, Arab Oil: The Urgent Need for a New Deal.

ب) مقالات

- Anderson, I H, "The American Oil Industry and the ۵۰-۵۰ Agreement of ۱۹۵۰", In: James A Bill and W M Roger, eds, Musadagh: Iranian Nationalism and Oil, London: ۱۹۸۸, ۱۴۶.
- Ely, Northcut, Robert F. Pietrowski Jr., "Changing Concept of the World's Mineral and Petroleum Development Laws", in BYU Law Review, Volume ۱۹۷۶, Issue ۱, ۲۹.
- Moran, TH, "The Evolution of Concession Agreements in Underdeveloped Countries and the United Nations Interests", v Vanderbilt Journal of Transnational Law ۳۱۵, ۱۹۷۴, ۳۱۵.
- Okeefe, P J, "The United Nations and Permanent Sovereignty over Natural Resources", ۸ Journal of World Trade Law, ۱۹۷۴, ۲۳۹-۲۸۲.
- Stevens, P J, Joint Venture in Middle East Oil ۱۹۵۷-۱۹۷۵, Beirut: Middle East Economic Consultants, ۱۹۷۶, ۱۳۴.
- Singer, Clifford E. Energy and International War: from Babylon to Baghdad and beyond. Vol. ۶. Singapore: World Scientific, ۲۰۰۸. Print. Energy and Resource Economics.
- Wearden, Graeme, "Saudi Aramco overtakes Apple as world's most valuable company", The Guardian, ۲۰۲۲.
- Yamani, Ahmad, "Participation v Nationalisation: The Best Means to Survive", A Paper presented at the Third Seminar on the Economics of the International Petroleum Industry, held at the University of Beirut, ۱۹۶۹.
- Yamani, Ahmad, The Oil Industry in Transition, ۸ Natural Resources Law ۳۹۱, ۱۹۷۵, ۳۹۵.
- Yergin, Daniel, "The Epic Quest for Oil, Money, and Power", Simon and Schuster, New York, ۱۹۹۱, ۲۹۱.

ج) منابع الکترونیک

- Society, National Geographic, ۲۰۱۴, "Oil Discovered in Saudi Arabia". nationalgeographic.org.
- "Saudi Aramco World : Prelude to Discovery". saudiaramcoworld.com.

- Morton, Michael Quentin, In the Heart of the Desert: the Story of an Exploration Geologist and the Search for Oil in the Middle East. Green Mountain Press, ۲۰۰۶. ISBN ۰-۹۵۵۲۲۱۲-۰-X.[۱]
- Keating, Aileen, Mirage: Power, Politics, and the Hidden History of Arabian Oil. Prometheus Books, ۲۰۰۵. ISBN ۹۷۸-۱-۵۹۱۰۲-۳۴۶-۳.
- Wagner, Heather Lehr, ۲۰۰۸, Saudi Arabia. Infobase Publishing. ISBN ۹۷۸-۱-۶۰۴۱۳-۰۲۳-۲.
- "In War and Peace ۱۹۲۷-۱۹۴۶", About Chevron, archived from the original, ۲۰۱۱.
- "۸۰ Days That Changed The World". Archived from the original on April ۵, ۲۰۰۳.
- "Saudi Arabia Oil Industry". country-studies.com.
- "Saudi Arabia". U.S. Department of State.
- <https://archive.aramcoworld.com/issue/۱۹۹۹۰۱/prelude.to.discovery.htm>
- "In War and Peace ۱۹۲۷-۱۹۴۶", About Chevron, archived from the original, ۲۰۱۱.
- https://en.wikipedia.org/wiki/History_of_the_oil_industry_in_Saudi_Arabia#cite_note-v
- https://wps.pearsoncustom.com/wps/media/objects/۲۴۲۶/۲۴۸۴۷۴۹/chap_asset/s/documents/doc۳۴_۳.html
- U.S. Relations with Saudi Arabia, Bureau of Near Eastern Affairs, Fact Sheet, ۲۰۱۳. <https://۲۰۰۹-۲۰۱۷.state.gov/r/pa/ei/bgn/۳۵۸۴.htm>
- The Economist, Behind the veil of Saudi Aramco, ۲۰۱۷. <https://www.economist.com/news/business/۲۱۷۲۹۴۷۲-biggest-oil-company-has-good-story-tell-if-it-can-disentangle-its-image>
- Barnett, A., French, J., & Said, S. (۲۰۱۶). How big is Aramco? Wall Street Journal, <https://graphics.wsj.com/what-is-aramco/>

(چ) سایر منابع

- Mahdavi, Pasha, The Politics of Oil Nationalizations, Dissertation in partial satisfaction of the requirements for the degree Doctor of Philosophy in

Political Science, University of California, Los Angeles, ۲۰۱۵.

- Middle East Economic Survey, vol XX, no ۴۰ (۲۵ July ۱۹۷۷), ۱.
- Royal Decree No M/۸, ۴/۴/۱۴۰۹ H/۱۹۸۹.
- Saudi Aramco Statute, Articles ۷-۹.
- The Wall Street Journal, ۱۹۸۹, ۵.
- Federal Trade Commission, The International Petroleum Cartel, Staff Report submitted to the Subcommittee on Monopoly of the Select Committee on Small Business United States Senate, ۲۰۱۰, ۱۱۷.